

## ساختار قدرت در خانواده و بازنمایی آن در قصه‌های عامیانه فارس

الله چیتسازی<sup>۱</sup>\* کاووس حسن‌لی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۱)

چکیده

از میان انواع مختلف ادبیات شفاهی، قصه و افسانه بهدلیل داشتن درون‌مایه غنی قابلیت بررسی خاستگاه و جلوه‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ... را دارد. برخی جامعه‌شناسان بر این باورند که دانسته‌هایشان درباره نهاد خانواده در گذشته ایران بسیار ناچیز است؛ بنابراین داستان بهویژه داستان‌های عامیانه می‌تواند روشنگر بخش‌هایی از زندگی اجتماعی گذشته باشد که از چشم جامعه‌شناسان دور مانده است. یکی از موضوعات مورد توجه در مطالعات جامعه‌شناسی در نهاد خانواده، موضوع قدرت است. شناخت شیوه‌های توزیع قدرت در خانواده در دوره‌های گذشته نشان‌دهنده بسیاری از تحولات اجتماعی است. در این مقاله ساختار قدرت، شیوه‌های اعمال آن و نوع مقاومت در برابر قدرت و همچنین منابع تولید قدرت در روابط خانوادگی در ۹۳ قصه عامیانه به روایت فارس به شیوه تحلیل محتوا بررسی شده است با این هدف که روشن شود ساختار قدرت در خانواده در قصه‌های عامیانه چگونه است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد ساختار قدرت در خانواده سلطه‌گریانه و بیشتر از نوع سلطه پدر در ارتباط با فرزند است. در روابط زن و مرد علاوه بر تسلط، ارتباط صمیمی و مشروع دیده می‌شود که زنان بر اساس ایدئولوژی‌های سنتی، قدرت مرد را حتی در روابط صمیمی می‌پذیرند. شیوه‌های

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، مرتبی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

\* chitsazi9910@yahoo.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز.

اعمال قدرت بیشتر مجبورسازی، اما نوع مقاومت بهویژه مقاومت دختران در برابر سلطه،  
فعالانه و مقاومت پسران در ارتباط با پدر به دلایلی منفعلانه است. در میان منابع تولید  
قدرت در خانواده باورهای جنسیتی، منابع اقتصادی- اجتماعی، درایت بهویژه درایت  
فرزند و حیله بیشترین سهم را دارند.

**واژه‌های کلیدی:** قصه‌های عامیانه، خانواده، قدرت، ساختار قدرت.

#### ۱. مقدمه

پژوهش در ژرف‌ساخت آثار ادبی، می‌تواند نگرش و جهان‌بینی انسان گذشته و معاصر را در هر سرزمینی آشکار سازد. قصه‌ها و افسانه‌ها تصویرهایی از زندگی مردم زمانه، ارتباط میان افراد و مناسبات خانوادگی و خویشاوندی را به زبانی ساده یا نمادین بیان می‌کنند. در بررسی قصه‌های عامیانه، این پرسش ایجاد می‌شود که آیا قصه‌ها تنها موضوعات و مناسبات باستانی و کهن را انعکاس می‌دهند یا می‌توانند مسائل دوران متأخر را بازگو کنند؟ جوزف کمپل<sup>۱</sup> معتقد است در بازگویی‌های مجدد و بی‌شماری که از قصه‌های سنتی صورت می‌گیرد اغلب تصاویر ثانویه‌ای برای عناصری که به دلایل متفاوت بی‌معنا شده‌اند، ابداع می‌شود. به عقیده او قصه‌ها هم از گذشته‌های دور، هم از زمان حاضر و از اصل و ریشه انسان سخن می‌گویند (بیات، ۱۳۸۹: ۱۰۷). بر این اساس و با توجه به بررسی‌های انجام‌شده باید افزود الگوهای ساختار موجود در روایت‌های حاضر از قصه‌های عامیانه، هم واقعیت‌های سخت و تلخ زندگی را نشان می‌دهند و هم رؤیاها و خواسته‌های شخصیت‌ها را منعکس می‌کنند.

زرین‌کوب در پاسخ به این پرسش که چرا قصه‌ها و افسانه‌ها واقعی‌تر و مطمئن‌تر از تاریخ می‌توانند افکار، عقاید و روحیات یک ملت را بازگو کنند، می‌گوید: «چون هم از واقعیت‌های زنده و موجود حکایت دارند و هم در بیان احوال گذشته مردم، کمتر از تاریخ دستخوش اغراض مورخان گشته‌اند» (زرین‌کوب، ۱۳۵۱: ۳۱). برای مثال خانواده یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که در طول تاریخ بر اثر عوامل گوناگون دستخوش تغییر شده است. تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی - سیاسی جوامع بر نهادهای اجتماعی انکارنشدنی است و خانواده از این تأثیر مستثنა نبوده است. خانواده و اشکال

مختلف آن با پیشینه‌ای به درازنای تاریخ، موضوعی است که در ادبیات کهن و ادبیات معاصر فارسی به گونه‌های مختلف بازتاب یافته است.

تحول خانواده در دوران جدید با صنعتی شدن اروپایی آغاز شد. تغییر عمدہ‌ای که در جریان این تحولات در خانواده روی داد، تضعیف نظام پدرسالاری بود که به دنبال آن قدرت مرد و زن در خانواده دگرگون شد (بهنام، ۱۳۵۰: ۵). در پی این تحول نقش زنان به مراتب بیش از نقش مردان تغییر کرد، به گونه‌ای که تغییر نقش جنسیت با تغییر نوع فعالیت و وظایف زن در جامعه متراffد شد (محمدی، ۱۳۹۵: ۱).

با توجه به آنچه گفته شد در این مقاله ساختار قدرت در خانواده و چگونگی بازنمایی آن در روابط خانوادگی در قصه‌های عامیانه فارس، بررسی می‌شود تا به دو پرسش زیر پاسخ داده شود:

۱. ساختار قدرت در خانواده و شیوه‌های اعمال آن در قصه‌های عامیانه

چگونه است؟

۲. کدام منابع، قدرت را در خانواده تولید می‌کنند؟

## ۲. مبانی نظری

### ۱-۲. قدرت

قدرت از مفاهیم پرکاربرد در تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی است. قدرت در معنای عام توانایی کنترل اعمال سایر افراد خلاف میلشان تعریف می‌شود. در جامعه‌شناسی از مشهورترین گرایش‌های نظری، نگاه ماکس وبر<sup>۲</sup> به قدرت است. از نظر وبر، قدرت با سلطه ارتباط برقرار می‌کند؛ زیرا بر دو رکن عمدی یعنی «تحمیل اراده» و «مقاومت شخص دیگر» استوار است (نبوی، ۱۳۷۹: ۵۱-۵۳)؛ با وجود این، دو ویژگی تحمیل و سلطه لازمه تمام گونه‌های قدرت نیست.

مفهوم قدرت در بستر گفتمان‌های متفاوت، معانی متعدد یافته است؛ اما در این مقاله با توجه به رابطه میان اعضا در خانواده مفهوم وبر از قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد و

انواع قدرت در موارد زیر بررسی می‌شود:

۱. قدرت پاداش.

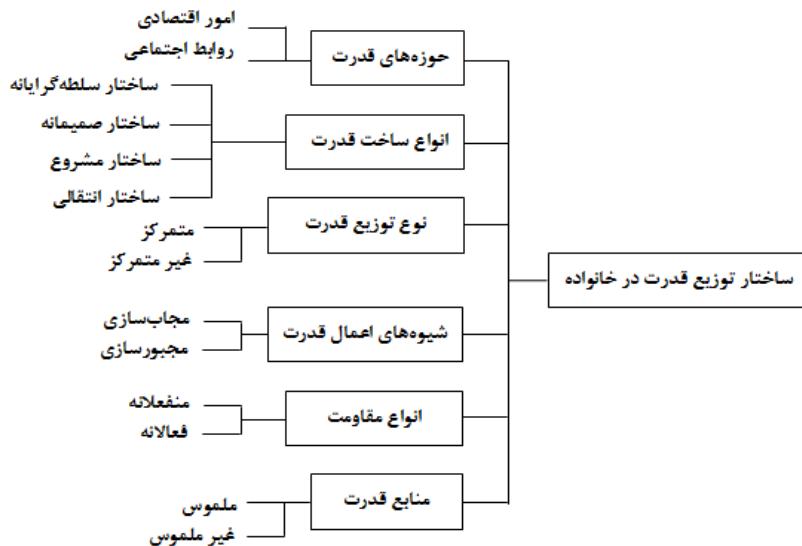
۲. قدرت تنیه و مجازات با زور و اجبار.
۳. قدرت اقناع و مجاب‌سازی.

## ۲-۲. قدرت در خانواده

قدرت در خانواده نوعی مطالعه موقعیت زنان و مردان در خانه، تغییر در تقسیم اقتدار خانواده و نشانه‌ای از دگرگونی اجتماعی بهویژه در نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی در سطح کلان است (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۵). بسیاری از محققان توافقی بر مفهوم قدرت در خانواده ندارند؛ لیکن صرف‌نظر از اختلافات موجود، وجه تصمیم‌گیری را مبنای این بررسی قرار داده‌اند. وقتی پرسیده می‌شود چه کسی اعمال قدرت می‌کند این امر متوجه تصمیم‌گیری‌ها در خانواده است (مهدوی و صبوری، ۱۳۸۲: ۳۱). جامعه‌شناسان نظری بوئمن<sup>۳</sup>، بلاد<sup>۴</sup> و ایسوان<sup>۵</sup> الگوی ساختار خانواده را بر مبنای اینکه چه کسی تصمیم‌های مهم و سرنوشت‌ساز را در خانواده می‌گیرد به انواع مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند (همان، ۳۴-۳۱). در این مقاله با توجه به نوع روابط خانواده همچنین قدرت در تصمیم‌گیری چهار الگوی زیر معرفی می‌شود:

۱. مرد مسلط.
۲. زن مسلط
۳. اشتراک مساعی زن و شوهر.
۴. فرزند مسلط.

با توجه به مباحث مطرح شده در مقدمه، نمودار شماره ۱، طرح کلی تحقیق را ارائه می‌دهد. گفتنی است این نمودار دریافتی ترکیبی از تقسیمات مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) و محمدی (۱۳۹۵) در حوزه ساختار قدرت در خانواده است که در نهایت با توجه به چگونگی نمود آن در قصه‌های عامیانه با تغییرات جزئی به دست آمده است.



نمودار ۱: ساختار توزیع قدرت در خانواده

### ۳. پیشینهٔ پژوهش

این مقاله دارای سه موضوع اصلی است. تحقیقات گستره‌های دربارهٔ تک‌تک این مباحث از جمله خانواده و توزیع قدرت انجام شده است. آنچه موردنظر این نوشتۀ است بررسی ساختار قدرت در خانواده در قصه‌های عامیانه فارس است که برخی پژوهش‌ها از بعضی نظرات به آن پیوند می‌یابد؛ از جمله:

اسعدی (۱۳۸۹) موضوع خانواده را در قابوس‌نامه بررسی کرده است. به گفته او خانواده در قابوس‌نامه پدرمحور است و نقش مادر بسیار کم‌رنگ است. عاملی رضایی (۱۳۹۱) در بررسی و تحلیل سیمای خانواده در رمان فارسی از ابتدای دهه ۵۰، به این نتیجه رسیده است که نویسنده‌گان در قالب خانواده، سیمای اجتماع را ترسیم می‌کنند. عاملی رضایی (۱۳۹۲) همچنین نهاد خانواده را در هفت رمان دهه شصت بررسی کرده است. او معتقد است که در این رمان‌ها، روابط و مناسبات خانوادگی به عنوان مضمون اصلی مطرح نشده است. عاملی رضایی (۱۳۹۳) جنگ و بازتاب مسائل ناشی از آن را در روابط خانوادگی تحلیل کرده است. همچنین وی (۱۳۹۷) روابط اعضای خانواده را در ۲۲ رمان فارسی، در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۶۰ بررسی کرده است. او در هیچ‌یک از

پژوهش‌ها به بررسی سلسله مراتب قدرت و چگونگی توزیع آن در روابط خانوادگی نپرداخته است. شریف‌نسب و فخاری (۱۳۹۴) مفهوم قدرت را بر اساس نظریات فوکو در ۴ داستان عامیانه بررسی کرده‌اند. قدرت در این داستان‌ها در میان تمام افراد جامعه و نه در یک نهاد خاص مانند خانواده، بررسی شده است. مرادی و همکاران (۱۳۹۵) در تحلیل پنج رمان بر اساس نظریه بازنمایی به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به تحولات صورت‌گرفته در دو دهه ۴۰ و ۸۰، نقطه مشترکی میان خانواده‌ها وجود دارد و آن روابط پرتنش میان اعضاء و درنتیجه فروپاشی بنیان خانواده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در هیچ‌یک از پژوهش‌ها، روابط میان اعضاء خانواده بر اساس مفهوم قدرت و چگونگی توزیع آن بررسی نشده است.

#### ۴. روش تحقیق

در این مقاله از روش متداول در تحقیق توصیفی - تحلیلی یعنی تحلیل محتوا استفاده شده است. در ابتدا مجموعه‌های مکتوب قصه‌های عامیانه فارس جمع‌آوری شد. برخی از این مجموعه‌ها توسط افراد صاحب نام در حوزه فرهنگ عامه فارس از جمله انجوي شيرازی و ابوالقاسم فقیری گردآوری شده است. بیشتر این مجموعه‌ها با نظارت بنیاد فارس‌شناسی چاپ شده است. روش گردآوری قصه‌ها روشنی علمی است که به گفته مؤلفان بیشتر از طریق مصاحبه با روایت‌کنندگان به دست آمده است. بیشتر قصه‌ها دارای شناسنامه هستند؛ یعنی نام راوی، سن، شغل و محل روایت قید شده است. پس از آن ۲۹۷ قصه از این مجموعه‌ها مطالعه و ۹۳ قصه غیرتکراری انتخاب شد. قصه‌هایی که تقریباً تمام ملاک‌های لازم در ارتباط با موضوع مقاله را دارند؛ از جمله: داشتن شخصیت‌های انسانی، واقعی بودن قصه‌ها، داشتن خانواده از هر نوع با حضور اعضاء همچنین سلسله مراتب قدرت در روابط خانوادگی به‌گونه‌ای که بازگوکننده مناسبات خانوادگی در گذشته باشد و تحولات و تفاوت‌های موجود را با دوره معاصر نشان دهد. درنهایت، مؤلفه‌های لازم در حوزه جامعه‌شناسی خانواده و ساختار قدرت در این نهاد در ۹۳ قصه با ۱۱۶ خانواده بررسی و تحلیل شده است. مجموعه قصه‌های بررسی شده و همچنین تعداد قصه از هر مجموعه در این مقاله به ترتیب عبارت‌اند از:

مجموعه سه جلدی قصه‌های مردم فارس از ابوالقاسم فقیری (۴۳ قصه)، مجموعه چهار جلدی قصه‌های ایرانی از انجوی شیرازی (۱۰ قصه به روایت فارس)، قصه‌های مردم کازرون از محسن پژشکیان (۱۰ قصه)، افسانه‌ها و قصه‌های مردم کوهمره سرخی از سعید حسامپور و عظیم جباره (۷ قصه)، افسانه‌های ایرانی از همایون صادقی (۷ قصه)، مجموعه دو جلدی قصه‌های فارس از حسین آزاده (۵ قصه)، فرهنگنامه زرقان از محمد جعفر ملک‌زاده (۴ قصه)، دختر شاه پریون از اعظم صرافان (۴ قصه) و افسانه‌های گمشده از محمد جواد شریف‌زاده (۳ قصه).

## ۵. ساختار قدرت در خانواده

منظور از ساختار قدرت در خانواده، شکل روابط قدرت میان زن و مرد است که با دو بعد قدرت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و شیوه تقسیم‌کار بین زن و مرد ارزیابی می‌شود. در این مقاله ساختار قدرت با توجه به چهار مؤلفه نوع توزیع قدرت (متمرکز و غیرمتمرکز)، شیوه‌های اعمال قدرت (مجاب‌سازی و مجبورسازی)، نگرش اعضا به رابطه (راضی یا ناراضی)، انواع مقاومت (فعالانه و منفعانه)، به سه ساختار تقسیم می‌شود:

۱. ساختار سلطه‌گرایانه، ۲. ساختار صمیمانه، ۳. ساختار انتقال قدرت  
نویسنده‌گان مقاله بر اساس توزیع قدرت در خانواده، دو ساختار کلان شماره ۱ و ۲ را به عنوان ساختار اصلی و شماره ۳ را به عنوان ساختار فرعی در ۶ الگوی به دست آمده از مطالعات خود در این داستان‌ها بررسی کردند.

### ۱-۵. ساختار سلطه‌گرایانه

در ساختار سلطه‌گرایانه، معمولاً قدرت در دست عضوی از اعضای خانواده متمرکز است و دیگر اعضا در برابر آن یا مقاومت می‌کنند یا آن را می‌پذیرند. این عضو می‌تواند پدر، مادر یا فرزند باشد. قدرت می‌تواند به نفع تمام اعضای خانواده یا برای یک شخص استفاده شود.

در تحقیقات انجام شده معمولاً به قدرت زن یا مرد و یا اشتراک آن دو پرداخته شده

است و ردپایی از فرزند و قدرت او دیده نمی‌شود؛ در حالی که فرزند در خانواده ایرانی حضوری کاملاً فعال دارد. برخی علت آن را تقلید و نسخه‌برداری از مطالعات انجام‌شده در امریکا و دیگر کشورهای غربی می‌دانند. این نکته را می‌توان در آسیب‌شناسی مطالعات قدرت در نهاد خانواده مورد توجه قرار داد.

با توجه به روابط میان اعضا در تصمیم‌گیری‌های اساسی، همچنین شیوه‌های اعمال قدرت در خانواده در قصه‌های عامیانه شش الگو را می‌توان بازشناخت:

۱. قدرت مستقلانه پدر و مادر.
۲. قدرت مشارکتی پدر و مادر.
۳. مرد مسلط در ارتباط با زن.
۴. زن مسلط در ارتباط با شوهر.
۵. فرزند مسلط در ارتباط با والدین.
۶. فردی غیر از همسر.

#### ۵-۱-۱. قدرت مستقلانه پدر و مادر

نوع قدرتی که در این رابطه میان والدین و فرزندان اعمال می‌شود «اعمال زور» است. پدر یا مادر (زن پدر) به عنوان سلطه‌گر با آزار فیزیکی و اجبار، قدرت را اعمال می‌کنند. الگوی شماره ۱ بیشترین تعداد را در قصه‌های عامیانه دارد. پدر در این داستان‌ها که معمولاً پادشاه و یا دارای مشاغل پردرآمد است هرگونه تصمیمی در خصوص فرزند به‌ویژه دختر می‌گیرد؛ برای نمونه در داستان «سه درویش»، دختر خود را بدون موافقت به پسر مورد علاقه خود (خود پدر) می‌دهد و یا در داستان «پادشاه گلیمه گوش» دختر را به پسری واگذار می‌کند که در شرطی از او باخته است. در این داستان‌ها دختران منفعل و نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند و طبق سنت دیرینه داستان‌های ایرانی به عنوان ابزاری جهت پیشبرد اهداف مردان به کار گرفته می‌شوند. گاهی پدر، خود به دختر پیشنهاد ازدواج می‌دهد؛ مثلاً «داستان‌های پی‌سوز» و «شاهزاده و دختر و پادشاه». یا در داستان‌های « حاجی حسن و قاضی» و «قصه گل بهار»، پدر به دلیل تهمت‌های ناروا از طرف قاضی و زن پدر به دختر، بدون پیگیری حقیقت، دستور قتل دختر را صادر

می‌کند. در این موارد با وجود اینکه پدر به دختر بسیار علاقمند است؛ اما حیثیت خود را بر علاوه ترجیح می‌دهد و از غلام خود می‌خواهد دختر را بکشد. غلام که نمی‌تواند این کار را انجام دهد به جای فرزند، کبوتر، سمبل (پاکی و بی‌گناهی) یا سگ، نماد (وفاداری) را می‌کشد.

در خصوص دلایل فرزندگشی پدر و مادر در داستان‌های فارس باید افروزد پدر، دختر را گاه به دلایل حیثیتی داستان‌های « حاجی حسن و قاضی» و «قصه گل بهار» و گاه به دلیل نپذیرفتن اندیشه‌های مردسالارانه داستان «پادشاه و گیسو بانو» می‌کشد؛ اما فرزندگشی مادر، گاه به دلیل حسادت به دختر و گاه به دلیل علاقه زیاد به شوهر دوم است که در نهایت فرزند خود را می‌کشد؛ مثلاً داستان «خانم ناری». این در حالی است که در داستان‌های بررسی شده یک مورد پدرگشی به دلیل ظلم به دختر در داستان «پادشاه و دختر» و سه مورد مادرگشی به دلیل خیانت به همسر و فرزند در داستان‌های «مرغ دوست»، «کا احمدک»، «کاگدول و برادر کچل» و «خانم ناری» دیده شد.

در میان ۹۳ داستان، ۱۱۶ خانواده دارای قدرت در روابط خانوادگی هستند. در این میان ۸۷ خانواده دارای ساختار سلطه‌گرایانه‌اند. در این ساختار، سلطه‌پذیر در برابر قدرت به دو شیوه مقاومت می‌کند:

#### الف - سلطه‌گرایی با مقاومت منفعلانه

در نوع مقاومت منفعلانه، اعضای خانواده چون جرئت مبارزه علني ندارند، به صورت غیرمستقیم با رفتارهایی چون: غرزدن، نافرمانی کردن، شکایت کردن از وضع موجود نزد خویشاوندان، در برابر سلطه‌گر واکنش نشان می‌دهند.

در داستان‌های عامیانه، قدرت در ارتباط با دختران با زور و اجبار، اما برای پسران به دلیل انتخاب شدن در جانشینی پدر همچنین باور به اقتدار جنس مذکور، با اقناع، مجاب‌سازی و پاداش اعمال می‌شود. از ۳۷ داستان با ساختار سلطه‌گرایانه پدر و مادر در ارتباط با فرزند، در ۱۱ داستان پسر حضور دارد که جز دو مورد، داستان‌های «مرغ دوست» و «کره سیاه»، در بقیه موارد پسر در برابر سلطه‌پدر و مادر به‌ویژه پدر، مقاومت نمی‌کند و سلطه را می‌پذیرد؛ مثلاً در داستان‌های «کوسه»، «مرغ زرد»، «پسران

پادشاه» و «هفت برادران»، پسر خواسته خود را به پدر اعلام می‌کند. پدر در صورتی موافقت می‌کند که یا برای او کاری انجام دهد یا طی سفری، توامندی خود را اثبات کند. علت سکوت پسر در برابر پدر را علاوه بر داشتن خیال جانشینی، می‌توان پذیرش اقتدار پدر به عنوان قدرت برتر دانست. همچنین باید افزود در داستان‌های عامیانه پسر در خانواده معمولاً با پدر و کمتر با مادر و زن پدر روبه‌رو می‌شود؛ در غیر این صورت فعالانه در برابر آن‌ها مقاومت می‌کند؛ این در حالی است که زن پدر در بیشتر موارد با دختر مقابل می‌شود و بهدلیل همراهی پدر با او همچنین عدم حضور فعال پدر در خانه با سکوت دختر مواجه می‌شود؛ مثلاً در داستان «دختر ماه و ستاره»، زن پدر، دختر شوهر را آزار می‌دهد، در حالی که پدر نه مخالفت می‌کند و نه در جریان رابطه قرار می‌گیرد؛ اما وجود نمادین گاو در زیر ساخت این روایت سبب بر جسته‌سازی قدرت مادر در دفاع از فرزند در مقابل نامادری همچنین شخصیت دوگانه نامادری نسبت به فرزند شوهر و فرزند خود می‌شود.

### ب- سلطه گرایی با مقاومت فعالانه

در این الگو، عامل قدرت برای حفظ سلطه، تلاش می‌کند؛ اما با مقاومت فعالانه سلطه‌پذیر مواجه می‌شود. این ساختار با تنش در درازمدت همراه است. ارسسطو معتقد است قدرت فکری و ذهنی از آن فرمانروایان (صاحبان قدرت) و قدرت جسمی به فرمانبران و زیردستان تعلق دارد (رهبری، ۱۳۸۵: ۱۲۳)، این در حالی است که در قصه‌های عامیانه، قدرت سلطه‌پذیر با درایت و قدرت سلطه‌گر بیشتر با خشونت اعمال می‌شود. در این ساختار معمولاً در ابتدا مقاومت دیده نمی‌شود. سلطه‌پذیر اجبار و زورگویی را تحمل می‌کند؛ اما با گذر زمان، مقاومت در برابر سلطه را آغاز می‌کند و تا پایان ادامه می‌دهد. در این داستان‌ها مقاومت فرزندان در برابر پدر و زن پدر به شکل‌های مختلف انجام می‌شود؛ از جمله خلاف فرامین پدر عمل کردن در داستان «تُک نوشت»، رفتن به سفر «تمور بازرگان» و «لياقت»، کمک خواستن از مادر «دختر شاه حلب»، همراه شدن دختر با خواستگار «مُعْلِم دختر»، «کرۂ سیاه» و «خوابی که تعییر شد» و فرار از خانه در داستان‌های «مرغ سعادت»، «آهوی لنگ»، «سُرخه چهل گیسو»، «دختر و پادشاه»، «کرۂ

سیاه» و «پی سوز و شاهزاده». در دو داستان «پی سوز و شاهزاده» و «دختر و پادشاه»، پدر پس از مرگ همسر، به وصیت او عمل می‌کند که انگشت‌ر، کفش یا النگویش به دست هر دختری اندازه باشد با او ازدواج کند. پدر در این دو داستان پس از جست‌وجوی فرد مورد نظر و نیافتن او، به دختر خود که این وضعیت را دارد، پیشنهاد ازدواج می‌دهد. دختر در ابتدا مخالفت می‌کند حتی با دلایل شرعی موفق به راضی کردن پدر نمی‌شود، درنهایت از خانه فرار می‌کند. این داستان‌ها نشان‌دهنده سرنوشت ناخواسته و تلخی است که دختر به دلیل خودخواهی و حماقت پدر به آن دچار می‌شود و درنهایت فرار او از خانه را می‌توان نوعی مبارزه با اندیشه مردسالارانه تعبیر کرد.

در ۳۷ داستان با ساختار سلطه‌گرایانه مستقل پدر و مادر در ارتباط با فرزند، در ۱۸ داستان، مقاومت فعالانه در برابر سلطه از طرف دختر صورت می‌گیرد. در این داستان‌ها دختران تصویری مطیع و منفعل از خود ندارند؛ مثلاً در داستان «دختر پادشاه... گیسو بانو»، پدر با طرح یک پرسش و دریافت پاسخی خلاف نظر خود، دستور می‌دهد دختر را بکشند؛ اما وزیر او را در بیابان رها می‌کند. دختر بدون اظهار عجز و ناتوانی، با فراهم کردن مقدمات لازم از جمله پنهان کردن جواهرات میان گیسوان خود، خانه را ترک می‌کند. با گذشت زمان در پی تصمیمات عاقلانه، مجدد به دربار باز می‌گردد و درستی پاسخ خود را به پدر ثابت می‌کند. در این داستان‌ها با وجود اینکه سلطه‌پذیر، پیروز است؛ اما جنگ فرسایشی قدرت میان اعضای خانواده ایجاد می‌شود. هر چند این وضعیت، رشد شخصیت فرزندان را به دنبال دارد؛ اما آن‌ها از این رابطه ناراضی و تنها برای اثبات بی‌گناهی خود و نشان دادن برابری زن و مرد مجدد به خانه بازمی‌گردند.

#### ۵-۱-۲. قدرت مشارکتی پدر و مادر (در ارتباط با فرزند)

زن و شوهر در تصمیم‌های مهم که در ارتباط با فرزندان گرفته می‌شود به راه حل مشترک می‌رسند؛ از جمله ازدواج فرزندان. آن‌ها گاهی با ازدواج فرزند با فرد مورد علاقه‌اش که معمولاً دختر یا پسرعمو یا فردی غیر از طبقه اجتماعی خودشان است مخالفت می‌کنند؛ مثلاً در داستان «سیفو و نسو» فرزندان در برابر مخالفت پدر و مادر سکوت می‌کنند؛ اما در داستان «پاک‌دل»، دختر و پسر فرار می‌کنند و به شهر دیگر

می‌روند. بر عکس در داستان «پی سوز طلا»، پدر و مادر، فرزند را مجبور می‌کنند با یکی از دخترعموها یش ازدواج کند؛ اما پسر مقاومت کرده، با فرد مورد علاقه خود ازدواج می‌کند.

تصمیم مشترک در این خانواده‌ها علاوه بر ازدواج فرزند، به کشندن فرزند در داستان «کاالحمدک»، فروش فرزند «تُک نوشت»، تغییر محل زندگی «یا خدای برازجان»، تغییر شغل «رَمل انداز»، مسائل مالی و ترک خانه پدری «لیلی و مجنون» خلاصه می‌شود.

#### ۱-۵. مرد مسلط در ارتباط با زن

در جوامع سنتی از زنان انتظار می‌رود نسبت به مردان مطیع باشند؛ درنتیجه تصور اقتدارگرایی شوهر و تصور زن از نقش فرمانبرانه خود شکل می‌گیرد؛ مثلاً در داستان «حاجی راست و درست»، زن از تمام خواسته‌های خود حتی خوردن غذای دلخواه در دوران بارداری بهدلیل خساست مرد خودداری می‌کند یا در داستان «جگر بَسُّم به گهواره»، زن بهدلیل نازایی و نگرانی از تبعات آن از جمله: افتادن از چشم همسر، طعنه‌های اطرافیان، طلاق و گاه ازدواج مجدد شوهر دست به اقداماتی می‌زند. او در نبود شوهر، در ظاهر خود را باردار نشان می‌دهد به طوری که همسایگان بارداری او را می‌پذیرند. درنهایت، با نذر و دعا و تلاش برای یافتن فرزندی بی‌سرپرست زندگی خود را حفظ می‌کند.

در این داستان‌ها کنش و واکنش شخصیت‌ها در باورهای سنتی ریشه دارد. درحقیقت، کشمکش و تقابل، میان دو اندیشه فرماندهی و فرمانبری است. آنجا که زن به عنوان فرمانبر، با تدبیر در برابر مرد قد علم می‌کند می‌کوشد تا از حق خود دفاع و قابلیت و توانایی خود را اثبات کند و در بیشتر موارد این تقابل به نفع زن به پایان می‌رسد.

#### ۱-۶. زن مسلط در ارتباط با شوهر

زنان مسلط در داستان‌های عامیانه خلاف مردان که با تصور اقتدارگرایانه در خانواده حکمرانی می‌کنند، بدون اعتقاد به باورهای جنسیتی همچنین آگاهی از حقوق خود با درایت و گاه با حیله در برابر مردان مقاومت می‌کنند؛ مثلاً در دو داستان «ملا ترسوک»

ساختار قدرت در خانواده و بازنمایی...  
الله چیتسازی و همکار

و «مردی که از روباه می‌ترسید»، زنان با بیرون کردن شوهر از خانه، رفتار آن‌ها را تغییر می‌دهند، به گونه‌ای که این تحول سبب انتقال قدرت از زن به مرد می‌شود؛ با وجود این، زنان در هر دو داستان از این تغییر راضی هستند یا در داستان «رمَل انداز»، زن، شوهر فقیر خود را با شیوه‌های مستقیم (گریه کردن، قهر کردن) و غیرمستقیم (تهدیدهای روحی از جمله درخواست طلاق) وادر می‌کند تا رمل‌انداز پادشاه شود؛ هر چند مرد در این زمینه تخصصی ندارد؛ اما اصرار زن سبب می‌شود به این کار تن دهد. در پاره‌ای از داستان‌ها اختلافات میان زن و مرد یک دلیل قدیمی و همیشگی دارد که از رابطه پرتنش میان عروس و مادر شوهر، عروس و خواهر شوهر نشئت می‌گیرد؛ مثلاً در داستان «رمضونعلی جون»، عروس به مادرشوهر فرمان می‌دهد و چون مقاومت در برابر او منفعلانه است خود را پیروز میدان می‌بیند؛ اما درنهایت با ثابت شدن حیله‌های زن، شوهر او را طلاق می‌دهد.

در خصوص ارتباط سلطه‌گرایانه زن و شوهر نسبت به یکدیگر باید افروز این ارتباط بیشتر در خانواده‌هایی از طبقات متوسط و پایین جامعه رواج دارد و نه در خانواده‌های خاص. شاید از دلایل آن بتوان به کمرنگ و یا حاشیه‌ای بودن نقش زن در خانواده‌های خاص و همچنین تفاوت مشکلات موجود در این خانواده‌ها با خانواده‌های خاص اشاره کرد.

#### ۵-۱-۵. فرزند مسلط

در ۹۳ داستان بررسی شده ۱۷ داستان دارای ساختار فرزند مسلط است. در ۱۳ مورد، اختلاف فرزند (دختر و پسر) با والدین تنها مسئله ازدواج با شخص موردعلاقه است و در ۴ مورد به مسائل دیگر چون: ادامه دادن پیشہ دشوار پدر، ترک خانه به دلیل برخی کمبودها و ناهم بودن پسر مربوط می‌شود. سلطه‌پذیر در این داستان‌ها مادر است که در نبود پدر با رفتارهای خردمندانه، در برابر فرزند مقاومت می‌کند؛ اما نه مقاومت همراه با تنش؛ مثلاً در داستان «خان قلی و جان قلی» مادر با فرزند عصیان‌گر مدارا می‌کند یا در داستان «میرشکار احمد» و «اسب چوبی» مادرخواست فرزند را خلاف میل خود می‌پذیرد.

در داستان‌هایی که فرزند برای ازدواج با فرد مورد علاقه خود پاشاری می‌کند پسر موفق می‌شود والدین را راضی کند. او پیشنهاد ازدواج با دخترانی می‌دهد که از طبقات پایین جامعه هستند یا برعکس از طبقات خاص. داستان‌های «پری چهل گیسو»، «پسر کاکل‌زری، دختر گیس عنبری» و «دختر و شتر طلا» این گونه‌اند. در این داستان‌ها پدر خلاف میل خود، پیشنهاد پسر را می‌پذیرد. این ازدواج با تمام مشکلاتی که پیش رو دارد معمولاً به سرانجامی نیک ختم می‌شود. در این میان تنها به دو داستان «اسب سفید» و «تنور داغ داغ» می‌توان اشاره کرد که ازدواج به‌دلیل اختلافات طبقاتی به جدایی ختم می‌شود. گاهی پسر به والدین که معمولاً تنها مادر (خانواده ناقص) حضور دارد پیشنهاد ازدواج با دختری از طبقات خاص می‌دهد که با مخالفت پدر دختر به‌دلیل اختلاف طبقاتی روبرو می‌شود؛ اما سرانجام، به خواسته خود دست می‌یابد. برای نمونه به داستان «علی کچل» می‌توان اشاره کرد.

دختر در جلب رضایت پدر برای ازدواج با فرد مورد علاقه با همراهی دیگران و درایت خود، موفق می‌شود. از دلایل مخالفت پدر، به عدم شناخت اولیه خواستگار، اختلافات طبقاتی، در پاره‌ای موارد علاقه بیش از حد به دختر می‌توان اشاره کرد. این مسئله در داستان‌های «مُغُل دختر»، «دختر شاه حلب»، «ملک ابراهیم و فتنه خونریز»، «پری چهل گیسو» و... دیده می‌شود.

در ۱۷ داستان از مجموعه داستان‌های بررسی شده با محوریت سلطه فرزند، مقاومت والدین بی‌نتیجه است. تفاوت شیوه‌های اعمال قدرت پسر و دختر در ارتباط با والدین قابل توجه است. این تفاوت بیشتر از نگرش سنتی جامعه نسبت به جنس نشئت می‌گیرد. فرزند پسر برای به‌دست آوردن رضایت والدین معمولاً با اجبار و با رفتارهای کلامی و تهدیدآمیز از جمله: ترک خانه برای همیشه آن‌ها را قانع می‌کند. درنهایت، پدر و مادر خلاف میل خود، درخواست او را می‌پذیرند؛ اما اختلاف دختر با والدین، بیشتر به مسئله ازدواج او که مسئله‌ای سرنوشت‌ساز است مربوط می‌شود. از آنجا که دختر در جامعه سنتی و مردسالار تنها از طریق ازدواج هویتی اجتماعی می‌یابد ناچار می‌شود خردمندانه و با واسطه یاریگر پدر را مجاب کند و به مقصود خود دست یابد. حتی گاهی خود فرارسیدن زمان ازدواج را گوشزد می‌کند و این گونه از اختیار و آزادی خود حمایت می‌کند.

#### ۱-۶. فردی غیر از همسر

قدرت در خانواده همیشه میان زن، شوهر و فرزندان تقسیم نمی‌شود. گاهی دیده می‌شود اشخاصی غیر از افراد خانواده مانند مادرشوهر، مادرزن، خواهر و برادر مدیریت زندگی را به دست دارند تا جایی که روابط میان زن و شوهر، توسط آنها پیش‌بینی می‌شود؛ البته تعداد چنین خانواده‌هایی در داستان‌های عامیانه کم است. مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان هسته‌ای شدن و استقلال خانواده‌ها و همچنین نبودن روابط خویشاوندی میان خانواده‌ها دانست.

در میان ۹۳ داستان بررسی شده، مرکزیت قدرت در ۵ داستان به دست فردی غیر از افراد خانواده است؛ مثلاً داستان «شماره داره و زمه نداره» فرد قدرتمند مادرشوهر است. او با زور و اجبار همراه با تنبیه فیزیکی مثل کتك زدن، کار کشیدن از عروس روابط را متین‌سازد. مقاومت عروس در برابر سلطه گر تنها به غر زدن، شکایت کردن به همسر و درد دل کردن با آشنايان محدود می‌شود. درنهایت، عروس با همراهی یکی از دوستان، مادر شوهر را مغلوب و شوهر را راضی می‌کند. در خصوص حضور مادر-شوهر به عنوان نیروی برتر در این خانواده‌ها که معمولاً خانواده‌ای ناقص هستند و پدر (پدرشوهر) حضور ندارد، باید افزوود با توجه به باورهای سنتی علاقه مادر به فرزند پسر نسبت به دختر همچنین حسادت مادر به عروس با این تفکر که وجود او سبب کمرنگ شدن ارتباط او با پسر می‌شود به این دلیل رابطه‌ای پرتنش در این خانواده‌ها ایجاد می‌شود و عروس قادر به حل این مشکل نیست، مگر اینکه بتواند شوهر را با خود همراه کند؛ مثلاً داستان «سیز قبا بی دل هوا». در غیر این صورت با توسل به دیگران مادرشوهر را از زندگی خود حذف می‌کند در داستان «شماره داره و زمه نداره».

جدول ۱: میزان سلطه در ۶ الگوی بررسی شده در ساختار سلطه‌گرایانه

درصد	تعداد خانواده	۶ الگو به ترتیب میزان سلطه
۴۱/۵۷	۳۷	۱- الگوی سلطه مستقلانه پدر و مادر
۱۹/۱۰	۱۷	۲- الگوی سلطه فرزند مسلط در ارتباط با والدین
۱۲/۳۵	۱۱	۳- الگوی سلطه مرد مسلط در ارتباط با همسر
۱۰/۱۱	۹	۴- الگوی سلطه زن مسلط در ارتباط با شوهر
۱۱/۲۳	۱۰	۵- الگوی سلطه اشتراکی پدر و مادر
۵/۶	۵	۶- الگوی سلطه فردی غیر از همسر
.۱۰۰	۸۹	

جدول شماره ۱، نشان می‌دهد در ساختار سلطه‌گرایانه، الگوی اول بیشترین تعداد را دارد. از این تعداد در ۲۷ خانواده که بیشتر از خانواده خاص و پردرآمد هستند سلطه از جانب پدر و در ۱۰ خانواده از طبقات ضعیف و متوسط، سلطه از جانب مادر و زن پدر اعمال می‌شود. همان‌طور که گفته شد در این الگو سلطه بیشتر از جانب پدر و در ارتباط با دختر دیده می‌شود. از آنجا که دختر اندیشه‌های مردسالار را نمی‌پذیرد در بیشتر موارد فعالانه در برابر قدرت مقاومت می‌کند. پس از آن، الگوی شماره ۲ بیشترین تعداد را دارد که گویای قدرت فرزند در روابط خانوادگی است. از این تعداد در ۱۳ مورد سلطه از آن پسر است. بنابراین در داستان‌های عامیانه فارس بیشترین سلطه پدر و مادر بر دختران و بیشترین مقاومت نیز از سوی آن‌ها صورت می‌گیرد؛ در حالی که بیشترین سلطه فرزند در ارتباط با والدین از سوی پسران اعمال می‌شود.

## ۵-۲. ساختار صمیمانه

در این ساختار، قدرت در خانواده وجود دارد، کامل متفقی نمی‌شود؛ اما به حداقل می‌رسد (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). در ارتباط میان زن و شوهر رفتارهایی چون دوست داشتن، احترام گذاشتن، خردمندانه نظر خود را به نفع جمع بیان کردن دیده می‌شود. نوع توزیع قدرت در این ساختار غیرمتقارن (برابر) و در خدمت رابطه است. از ۱۱۶ خانواده در ۹۳ داستان، ۲۷ خانواده دارای ساختار صمیمانه هستند. در ۳۷/۰۳

در صد این خانواده‌ها در ابتدا ازدواج خلاف نظر والدین صورت گرفته است که دختر و پسر پس از ازدواج، خانواده‌هایی با ساختار صمیمانه تشکیل می‌دهند. برای نمونه به داستان‌های «پی‌سوز و شاهزاده»، «کره سیاه»، «مُغل دختر»، «خوابی که تغییر شد»، «تُک نوشت» و ... می‌توان اشاره کرد.

در ۲۷ خانواده با ساختار صمیمانه ۶۲/۹۶ درصد خانواده‌ها به طبقات متوسط و ضعیف اختصاص دارند. تفاوت این خانواده‌ها با خانواده‌های خاص در این است که تصمیمات زن و شوهر، حول محور مسائلی متفاوت و عامتر از مسائل خانواده‌های خاص می‌گردد. همچنین، حضور زن در این خانواده‌ها پررنگ و فعال‌تر است؛ برای نمونه در داستان «گیس بریده»، زن و مرد فقیری با فرزند خود روزگار را به‌سختی می‌گذرانند؛ به‌گونه‌ای که مرد از خانواده خود شرمگین است. گاهی از شرمندگی به‌جای خانه، پشت در خانه می‌خوابد؛ با وجود این، اهل خانه هرگز معرض نیستند. زن، شوهر را تشویق می‌کند به شهری دیگر دنبال کار برود. هر دو با تحمل سختی‌های فراوان، بالاخره روزگارشان سامان می‌یابد.

در داستان «دختری که از دهانش گل می‌ریخت»، مردی به‌دلیل ورشکستگی و کمک ندیدن از خویشاوندان، به همراه خانواده شهر را ترک می‌کند. در این مدت سختی‌های فراوانی متحمل می‌شوند؛ اما با یاری یکدیگر بر مشکلات پیروز می‌شوند.

ساختار صمیمانه در قصه‌های عامیانه فارس نشان می‌دهد هرچند زنان در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی دارای استقلال نیستند؛ اما نقش آن‌ها به واقعیت نقش زن در خانواده نزدیک است. همچنین خلاف نظر مارزلف (۱۳۷۶: ۴۵)، درباره زن در قصه‌های ایرانی، زن در قصه‌های فارس به‌ویژه در طبقات اجتماعی متوسط و ضعیف، حضوری مثبت و فعال در کنار دیگر اعضای خانواده دارد. زن نه تنها از اوضاع دشوار زندگی نمی‌گریزد؛ بلکه با هوشیاری به کمک مرد می‌شتابد و حتی گاهی نسبت به مرد فعال‌تر و سرنوشت‌سازتر است.

### ۵-۳. ساختار انتقال قدرت

در این ساختار، نوع رابطه تغییر می‌کند. این تغییر ناشی از بحرانی است که به دلایل مختلف از جمله: طلاق، مرگ، غلبه بر ترس، تحمل سختی‌ها، خیانت و ... اتفاق می‌افتد.

در داستان‌های عامیانه، انتقال قدرت در خانواده میان اعضای حاضر بهویژه زن و شوهر رخ می‌دهد. در برخی، قدرت در ابتدا در دست پدر است که با گذشت زمان به فرزندان منتقل می‌شود. راویان به گذشت زمان با عبارت «پس از سال‌ها یا سال‌های سال گذشت» اشاره می‌کنند. در برخی از داستان‌ها فرزندان بعد از سال‌ها مجدد به خانه که به هر دلیل آن را ترک کرده بودند، بازمی‌گردند و پدر یا زن‌پدر را مغلوب می‌کنند و قدرت را از آن خود می‌سازند. این ساختار در داستان‌های «قصه یک لالایی»، « حاجی حسن و قاضی»، «پادشاه ... گیسو بانو»، «مرغ دوست»، «قصه دختر ڈرگر»، «ملک محمد پسر ملک جمشید»، «دختر و شتر طلا» و ... دیده می‌شود.

ساختار انتقالی، ساختار مشترک تعدادی از داستان‌های عامیانه است. در این داستان‌ها گاه قدرت، مجدد بازمی‌گردد و گاه کامل به فرد دیگر منتقل می‌شود؛ برای نمونه در داستان‌های «شماره داره، وزمه نداره»، «نمک دیزی»، «کلاقوزی»، «تمور بازرگان»، «قصه دقیانوس»، «ملا ترسوک»، «مردی که از روباه می‌ترسید»، «کاکا سیاه»، «پی‌سوز طلا»، «دختر ماه و ستاره» به‌دلیل نوع مقاومت سلطه‌پذیر، قدرت دستخوش تغییر می‌شود و داستان با ساختاری دیگر به پایان می‌رسد.

در داستان «دقیانوس»، دقیانوس به دنبال زنی رازدار می‌گردد؛ از آنجا که با زنانی که ازدواج می‌کند دارای چنین خصلتی نیستند آنها را طلاق می‌دهد. سرانجام، با زنی ازدواج می‌کند که بعد از امتحانات مکرر و تحمل سختی‌های فراوان، رازدار بودنش به شوهر ثابت می‌شود. از آن پس قدرت به زن منتقل می‌شود به‌طوری که شوهر غلام حلقه‌به‌گوش همسر می‌شود. زن این قدرت را با درایت و هوشیاری خود به‌دست می‌آورد.

در داستان «ملا ترسوک»، در ابتدا قدرت به‌دلیل ضعف مرد در دست زن است؛ اما در پایان با تدبیر زن، شوهر متحول شده، قدرت را در اختیار می‌گیرد. زن که از این تغییر خرسند است ساختار نابرابر خانواده را به ساختاری صمیمانه تبدیل می‌کند.

در دو داستان «کلاقوزی» و «نمک دیزی» زن از سادگی شوهر سوءاستفاده می‌کند یا او را به کارهای سخت وامی دارد یا به او خیانت می‌کند. در نهایت، مرد به یاری دیگران، زن را مغلوب می‌سازد. این داستان‌ها نشان می‌دهند که با وجود نظام سنتی

مردسالار در خانواده‌های ایرانی، زنان همچنان به مردانی با شخصیت قدرتمند علاقه دارند. در غیر این صورت یا چشم به مردان دیگر دارند و یا زندگی را بر شوهران خود دشوار می‌سازند.

جدول شماره ۱، نشان می‌دهد در ساختار سلطه‌گرایانه، الگوی اول بیشترین تعداد را دارد. از این تعداد در ۲۷ خانواده که بیشتر از خانواده خاص و پردرآمد هستند سلطه از جانب پدر و در ۱۰ خانواده از طبقات ضعیف و متوسط، سلطه از جانب مادر و زن پدر اعمال می‌شود. همان‌طور که گفته شد در این الگو سلطه بیشتر از جانب پدر و در ارتباط با دختر دیده می‌شود. از آنجا که دختر اندیشه‌های مردسالار را نمی‌پذیرد در بیشتر موارد فعالانه در برابر قدرت مقاومت می‌کند. پس از آن، الگوی شماره ۲ بیشترین تعداد را دارد که گویای قدرت فرزند در روابط خانوادگی است. از این تعداد در ۱۳ مورد سلطه از آن پسر است. بنابراین در داستان‌های عامیانه فارس بیشترین سلطه پدر و مادر بر دختران و بیشترین مقاومت نیز از سوی آن‌ها صورت می‌گیرد؛ در حالی که بیشترین سلطه فرزند در ارتباط با والدین از سوی پسران اعمال می‌شود.

## ۵-۲. ساختار صمیمانه

در این ساختار، قدرت در خانواده وجود دارد، کامل متفقی نمی‌شود؛ اما به حداقل می‌رسد (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). در ارتباط میان زن و شوهر رفتارهایی چون دوست داشتن، احترام گذاشتن، خردمندانه نظر خود را به نفع جمع بیان کردن دیده می‌شود. نوع توزیع قدرت در این ساختار غیرمتراکز (برابر) و در خدمت رابطه است.

از ۱۱۶ خانواده در ۹۳ داستان، ۲۷ خانواده دارای ساختار صمیمانه هستند. در ۳۷/۰۳ درصد این خانواده‌ها در ابتدا ازدواج خلاف نظر والدین صورت گرفته است که دختر و پسر پس از ازدواج، خانواده‌هایی با ساختار صمیمانه تشکیل می‌دهند. برای نمونه به داستان‌های «پی‌سوز و شاهزاده»، «کره سیاه»، «مُغل دختر»، «خوابی که تعبیر شد»، «تُک نوشت» و ... می‌توان اشاره کرد.

در ۲۷ خانواده با ساختار صمیمانه ۶۲/۹۶ درصد خانواده‌ها به طبقات متوسط و ضعیف اختصاص دارند. تفاوت این خانواده‌ها با خانواده‌های خاص در این است که

تصمیمات زن و شوهر، حول محور مسائلی متفاوت و عامتر از مسائل خانواده‌های خاص می‌گردد. همچنین، حضور زن در این خانواده‌ها پررنگ و فعل‌تر است؛ برای نمونه در داستان «گیس‌بریده»، زن و مرد فقیری با فرزند خود روزگار را به‌سختی می‌گذرانند؛ به‌گونه‌ای که مرد از خانواده خود شرمگین است. گاهی از شرمندگی به‌جای خانه، پشت در خانه می‌خوابد؛ با وجود این، اهل خانه هرگز معترض نیستند. زن، شوهر را تشویق می‌کند به شهری دیگر دنبال کار برود. هر دو با تحمل سختی‌های فراوان، بالاخره روزگارشان سامان می‌یابد.

در داستان «دختری که از دهانش گل می‌ریخت»، مردی به‌دلیل ورشکستگی و کمک ندیدن از خویشاوندان، به همراه خانواده شهر را ترک می‌کند. در این مدت سختی‌های فراوانی متحمل می‌شوند؛ اما با یاری یکدیگر بر مشکلات پیروز می‌شوند.

ساخтар صمیمانه در قصه‌های عامیانه فارس نشان می‌دهد هرچند زنان در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی دارای استقلال نیستند؛ اما نقش آن‌ها به واقعیت نقش زن در خانواده نزدیک است. همچنین خلاف نظر مارزلف (۴۵: ۳۷۶)، درباره زن در قصه‌های ایرانی، زن در قصه‌های فارس به‌ویژه در طبقات اجتماعی متوسط و ضعیف، حضوری مثبت و فعل در کنار دیگر اعضای خانواده دارد. زن نه تنها از اوضاع دشوار زندگی نمی‌گریزد؛ بلکه با هوشیاری به کمک مرد می‌شتابد و حتی گاهی نسبت به مرد فعل‌تر و سرنوشت‌سازتر است.

### ۳-۵. ساختار انتقال قدرت

در این ساختار، نوع رابطه تغییر می‌کند. این تغییر ناشی از بحرانی است که به دلایل مختلف از جمله: طلاق، مرگ، غلبه بر ترس، تحمل سختی‌ها، خیانت و... اتفاق می‌افتد. در داستان‌های عامیانه، انتقال قدرت در خانواده میان اعضای حاضر به‌ویژه زن و شوهر رخ می‌دهد. در برخی، قدرت در ابتدا در دست پدر است که با گذشت زمان به فرزندان منتقل می‌شود. راویان به گذشت زمان با عبارت «پس از سال‌ها یا سال‌های سال گذشت» اشاره می‌کنند. در برخی از داستان‌ها فرزندان بعد از سال‌ها مجدد به خانه که به هر دلیل آن را ترک کرده بودند، بازمی‌گردند و پدر یا زن‌پدر را مغلوب می‌کنند و قدرت را از آن خود می‌سازند. این ساختار در داستان‌های «قصه یک لالایی»، «حاجی

حسن و قاضی»، «پادشاه ... گیسو بانو»، «مرغ دوست»، «قصه دختر ڈرگر»، «ملک محمد پسر ملک جمشید»، «دختر و شتر طلا» و ... دیده می‌شود.

ساختار انتقالی، ساختار مشترک تعدادی از داستان‌های عامیانه است. در این داستان‌ها گاه قدرت، مجدد بازمی‌گردد و گاه کامل به فرد دیگر منتقل می‌شود؛ برای نمونه در داستان‌های «شماره داره، و زمه نداره»، «نمک دیزی»، «کلاقوزی»، «تمور بازرگان»، «قصه دقیانوس»، «ملا ترسوک»، «مردی که از روباه می‌ترسید»، «کاکا سیاه»، «پی‌سوز طلا»، «دختر ماه و ستاره» به‌دلیل نوع مقاومت سلطه‌پذیر، قدرت دستخوش تغییر می‌شود و داستان با ساختاری دیگر به پایان می‌رسد.

در داستان «دقیانوس»، دقیانوس به دنبال زنی رازدار می‌گردد؛ از آنجا که با زنانی که ازدواج می‌کند دارای چنین خصلتی نیستند آن‌ها را طلاق می‌دهد. سرانجام، با زنی ازدواج می‌کند که بعد از امتحانات مکرر و تحمل سختی‌های فراوان، رازدار بودنش به شوهر ثابت می‌شود. از آن پس قدرت به زن منتقل می‌شود به‌طوری که شوهر غلام حلقه‌به‌گوش همسر می‌شود. زن این قدرت را با درایت و هوشیاری خود به‌دست می‌آورد.

در داستان «ملا ترسوک»، در ابتدا قدرت به‌دلیل ضعف مرد در دست زن است؛ اما در پایان با تدبیر زن، شوهر متحول شده، قدرت را در اختیار می‌گیرد. زن که از این تغییر خرسند است ساختار نابرابر خانواده را به ساختاری صمیمانه تبدیل می‌کند.

در دو داستان «کلاقوزی» و «نمک دیزی» زن از سادگی شوهر سوءاستفاده می‌کند یا او را به کارهای سخت وامی دارد یا به او خیانت می‌کند. درنهایت، مرد به یاری دیگران، زن را مغلوب می‌سازد. این داستان‌ها نشان می‌دهند که با وجود نظام سنتی مردسالار در خانواده‌های ایرانی، زنان همچنان به مردانی با شخصیت قدرتمند علاقه دارند. در غیر این صورت یا چشم به مردان دیگر دارند و یا زندگی را بر شوهران خود دشوار می‌سازند.

جدول ۲: ساختار قدرت در خانواده

درصد	فراوانی (خانواده)	ساختار قدرت
۷۶ / ۷۲۴	۸۹	ساختار سلطه‌گرایانه
۲۳ / ۷۲۵	۲۷	ساختار صمیمانه
.۱۰۰	۱۱۶	جمع کل

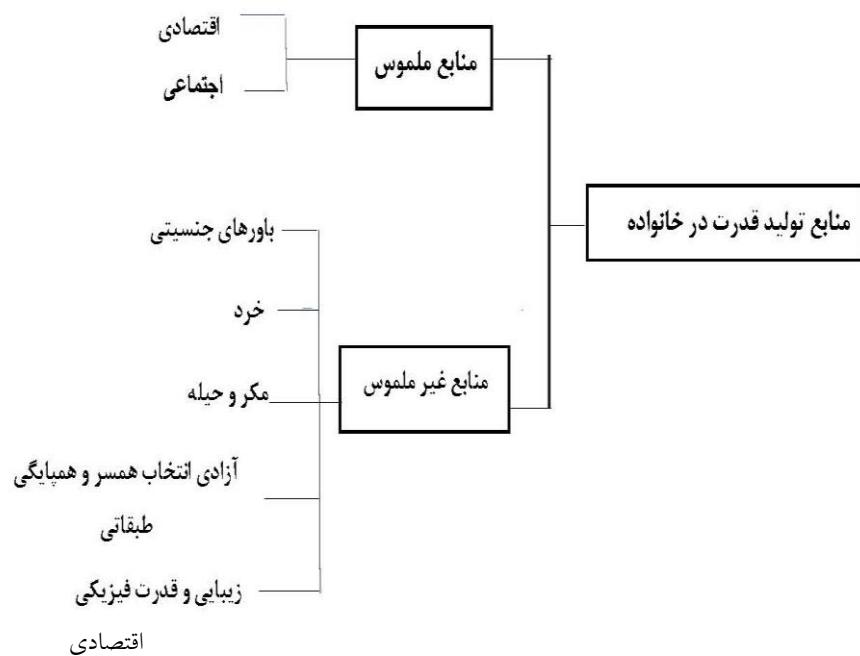
جدول ۳: شیوه‌های اعمال قدرت

درصد	فراوانی	شیوه‌های اعمال قدرت
۶۳/۴۴	۵۹	مجبرسازی
۱۶/۱۲	۱۵	مجابسازی
۲۰/۴۳	۱۹	بینایین
.۱۰۰	۹۳	جمع کل

جدول شماره ۲ و ۳ حاکی از سلطه‌گرایانه بودن قدرت در روابط خانوادگی در ۹۳ قصه عامیانه فارس است. قدرت در دست هر یک اعضا که باشد با اجراء اعمال می‌شود. همچنین رفتارهای کلامی و غیرکلامی گویای نارضایتی دیگر اعضا به‌ویژه زنان از رابطه است.

#### ۶. منابع تولید قدرت در خانواده

بر اساس تئوری منابع هر چه فرد منابع بیشتری در اختیار داشته باشد از قدرت بیشتری برخوردار است. پژوهشگران بر اساس دو نظریه منابع و مبادله بر سه منبع درآمد، اشتغال و تحصیلات تمرکز می‌کنند. در داستان‌های بررسی شده دو منبع درآمد و شغل، از عوامل اصلی تولید قدرت محسوب می‌شوند و از آنجا که عامل سعادت، نقش ندارد خرد جایگزین سعادت می‌شود. در این مقاله جز دو منبع شغل و درآمد، دیگر منابع دریافتی متفاوت از این پژوهش است که در نمودار ۲ در دو نوع ملموس و غیرملموس (به ترتیب میزان تأثیر) نشان داده می‌شود.



نمودار ۲: منابع تولید قدرت در خانواده

منابع مالی و منزلت اجتماعی در خانواده بهویژه خانواده‌های خاص (پادشاهان، وزرا و امرا) و پردرآمد که ۴۶/۲۳ درصد خانواده‌ها را شامل می‌شوند از منابع قدرت بهشمار می‌روند؛ بهگونه‌ای که استقلال مالی را برای مرد و وابستگی مالی را برای زن رقم می‌زنند و در کنار دیگر منابع غیرملموس از جمله باورهای جنسیتی، ساختار پدرسالار را در خانواده‌های ایرانی نشان می‌دهند. برخی صاحب‌نظران باورهای جنسیتی را به عنوان اولین عامل غیر دموکرات شدن ساختار خانواده (عنایت و سروش، ۱۳۸۸: ۱۰۸؛ مهدوی و صبوری، ۱۳۸۲: ۵۹) و برخی دیگر، عوامل عینی (منابع در دسترس) و عوامل ذهنی را به صورت مشترک، منبع قدرت در خانواده می‌دانند (گروسی، ۱۳۸۷: ۱۸). نگرش‌هایی چون تصور اقتدارگرایی شوهر نسبت به همسر، برادر، نسبت به خواهر و مادر همچنین تصویر زن از نقش فرمانبرانه خود، عواملی برای تبدیل شدن مرد به قدرت برتر

به شمار می‌روند. برای نمونه داستان‌های « حاجی حسن و قاضی»، «دختر پادشاه» و «خانم ناری» سکوت دختر را در برابر تصمیم ناعادلانه پدر نشان می‌دهند یا بر عکس داستان‌های «پی‌سوز و شاهزاده»، «دختر و پادشاه» و «تمور بازگان» نشان از مقاومت فعالانه دختر در برابر پدر دارد. در داستان «علی بونه‌گیر»، مرد با تصمیمات غیرمنصفانه و رفتارهای قلدرمآبانه، زندگی را پرتنش می‌سازد؛ اما زن با درایت در برابر شوهر مقاومت می‌کند و به قدرت او خاتمه می‌دهد. ارسسطو قدرت ناشی از فکر را قادرت برتر و قدرت مادی و فیزیکی را قدرت فروتنر می‌داند (رهبری، ۱۳۸۵: ۱۲۲). بر این اساس در روابط خانوادگی در داستان‌های عامیانه باید از خرد به عنوان یکی از مؤثرترین منابع قدرت برای اعضا به ویژه زنان یاد کرد. داستان‌های «خواصی که تعییر شد»، «تُک نوشت»، «امیر زن است نه مرد است»، «پی‌سوز طلا»، «دختر و شتر طلا»، «شاه صنم و غریب»، «لیاقت»، «دختر خیاط و پسر پادشاه»، «دختر ڈرگر» و ... این مطلب را نشان می‌دهند. در این داستان‌ها تقابل میان قهرمان و ضدقهرمان و درنهایت پیروزی فهرمان (که بیشتر زن است) سبب برجسته‌سازی زیرکی و هوش به عنوان عاملی برای پیروزی زن در برابر مرد می‌شود.

مکر و حیله از دیگر منابعی است که شخص برای حفظ قدرت و رسیدن به مقاصد خود از آن بهره می‌گیرد؛ مثلاً در داستان «دختر ماه و ستاره»، معلم مکتب خانه علاقه‌مند است ازدواج کند با مکر و حیله، شاگرد ساده‌دل را فریب می‌دهد تا با کشنن مادر و راضی کردن پدر، زن پدر او شود یا در داستان‌های «مرغ دوست»، «نمک دیزی» و «پیر کلوک‌سوز» زن با حیله از سادگی شوهر سوءاستفاده و به او خیانت می‌کند. در داستان‌های «هفت برادر» و «پسر کاکل زری، دختر گیس عنبری» برادران یا خواهران به دلیل حسادت به یکدیگر از جمله به فرزند کوچک که معمولاً عاقل‌تر از بقیه توصیف می‌شود تلاش می‌کنند با حیله او را از گردونه قدرت خارج کنند. در این موارد فرزند کوچک با بهره‌گیری از درایت و یاری افراد با تجربه، شایستگی خود را ثابت می‌کند.

هرچند در داستان‌های بررسی شده به کرات مردان فریبکار دیده می‌شوند، با وجود این همچنان تعداد زنان حیله‌گر بیش از مردان است؛ برای نمونه از مجموع داستان‌ها در ۲۵ داستان، حیله‌گری در ۱۷ مورد صفت زنان و ۸ مورد به مردان اختصاص دارد.

مزدپور در بیان چرایی مکر زنان می‌گوید: «زن، محدود و وابسته به مرد است و بی او از عرصه کار و نام به دور می‌افتد و برای رهیدن از بن‌بست باید به چیزی چنگ زند که مکر زنانه نام دارد» (مزدپور، ۱۳۷۴: ۵۶). این عقیده شاید تا حدودی قابل قبول باشد؛ اما باید افزود مکر زنانه همیشه کنشی نیست؛ بلکه گاه واکنشی است در پاسخ به نابرابری‌ها. گاه زنان هوش و ذکاوی بیش از مردان دارند و در پاسخ به بی‌عدالتی‌ها با تسلی به مکر زنانه از آن‌ها انتقام می‌گیرند. برای نمونه به دو داستان «دختر ڈرگر» و «دختر خیاط و پسر پادشاه» می‌توان اشاره کرد. زنان در این دو داستان، توسط شوهر به بند کشیده می‌شوند؛ ولی با خرد و حیله مرد را شکست می‌دهند.

گفتنی است سه منبع خرد، حیله و باورهای جنسیتی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. در داستان‌هایی که ایدئولوژی‌های جنسیتی، منبع قدرت مرد به‌شمار می‌رود نیروی خرد همراه با حیله، زن را از سلطه مرد خارج می‌کند؛ برای نمونه در داستان «تمور بازرگان»، پادشاهی صبحگاه پسر را می‌بوسد و آب دهانش را روی صورت دختر می‌اندازد. دختر رفتار ناعادلانه پدر را که ناشی از برتر دانستن پسر نسبت به دختر است تحمل نمی‌کند. به پدر پیشنهاد می‌دهد دو فرزندش را امتحان کند تا برتری هر یک ثابت شود. پدر مقداری پول به هر دو می‌دهد و آن‌ها را راهی سفر می‌کند. در این سفر دختر با پوشش مردانه به تجارت می‌پردازد. او پس از مدتی در مرتبه یک بازرگان موفق و پسر به عنوان غلام او، نزد پدر بازمی‌گردد. در این داستان دختر با دانایی به پدر ثابت می‌کند که شایستگی و لیاقت ارتباطی به جنس ندارد.

مشارکت در انتخاب همسر از منابعی است که تعديل قدرت در روابط خانوادگی را موجب می‌شود. زنان و مردان به‌ویژه زنانی که در خانواده پدری حق انتخاب همسر داشته باشند، پس از ازدواج، معمولاً از خانواده‌ای با ساختار متقارن برخوردار خواهند بود. در داستان‌های بررسی شده این مشارکت معمولاً در خانواده‌های خاص نمود می‌یابد. برای نمونه به داستان‌های «مُغل دختر»، «کره سیاه»، «هفت برادر ون»، «دختر شاه حلب»، «شاه عباس» و ... می‌توان اشاره کرد؛ ولی در ازدواج‌های ناهمگن مثلاً در داستان «اسب سفید» هرچند علاقه دلیل انتخاب دختر است؛ اما اختلافات طبقاتی را از بین نمی‌برد. درنتیجه، قدرت مرد کم نمی‌شود به‌طوری‌که دختر نمی‌تواند رابطه را تا پایان

ادame دهد. درنهایت زندگی از هم پاشیده می‌شود.

به عنوان آخرین منبع به زیبایی بهویژه زیبایی زن می‌توان اشاره کرد. در داستان‌های عامیانه معمولاً زیبایی در ازدواج‌هایی که بین طبقات ناهمگن شاهزادگان و فقرا انجام می‌شود ملاک عمدۀ انتخاب به شمار می‌رود؛ هر چند این ویژگی سبب انتخاب و ایجاد وابستگی عاطفی مرد به زن می‌شود؛ اما قدرت مرد را متنفسی نمی‌کند. داستان‌های «هفت دخترون»، «دختر ماه و ستاره»، «آهوک»، «سنگ صبور» و... این گونه‌اند. در ازدواج‌هایی که در طبقات متوسط یا پایین جامعه صورت می‌گیرد صفات‌های اخلاقی و روحی ملاک انتخاب زن و مرد به شمار می‌رود. توصیف مکرر قهرمان با صفات‌های اخلاقی نشان می‌دهد در فرهنگ فارس اخلاق بیش از ظاهر مورد نظر عامه مردم است. حتی در خانواده‌های خاص قهرمانان بهویژه زنان از توجه به ویژگی‌های اخلاقی و روحی غافل نیستند. این نکته در داستان‌های «علی کچل»، «امیر زن است نه مرد است»، «پسر میرشکار احمد»، «لیلی و مجنوون»، «خوابی که تعبیر شد»، «شاه صنم و غریب» و... که مربوط به خانواده در همه اقسام جامعه است به خوبی نشان داده می‌شود.

## ۷. نتیجه

خانواده و روابط خانوادگی آینه‌ای است که روابط جامعه بزرگ‌تر را منعکس می‌سازد؛ از این رو روابط همسران نه تنها متأثر از وضعیتی است که در آن قرار می‌گیرند؛ بلکه نمایشگر آن نیز هست. پرداختن به موضوع خانواده بهویژه در ایران که با توجه به تحولات صورت‌گرفته در این نهاد، همچنان دارای نظامی مردسالار و سنتی است اهمیت بسیاری دارد. نحوه توزیع قدرت در خانواده در تعاملات میان اعضاء، شکل‌گیری شخصیت فرزندان همچنین انسجام و پایداری خانواده مؤثر است. در این پژوهش ساختار قدرت در خانواده و چگونگی آن در قصه‌های عامیانه فارس بررسی شد.

محققان وجه تصمیم‌گیری را در روابط خانوادگی ملاک سنجش قدرت در خانواده قرار می‌دهند. در این پژوهش نویسنده‌گان با توجه به نوع روابط خانوادگی در ۹۳ داستان با ۱۱۶ خانواده از مجموعه قصه‌های عامیانه فارس، الگوی تصمیم‌گیری را به چهار نوع: مرد مسلط، زن مسلط، فرزند مسلط و اشتراک زن و مرد تقسیم کرده‌اند.

همچنین با توجه به اینکه ساختار قدرت در خانواده دارای سه بعد میزان مشارکت در حوزه‌های تصمیم‌گیری (اقتصادی، اجتماعی و تربیتی)، ساخت روابط قدرت و شیوه اعمال آن است، در این پژوهش هر سه مورد بررسی شد.

در ۱۱۶ خانواده، ۳۸ مورد، پدر تصمیم‌گیرنده است. تصمیمات پدر در خانواده‌های خاص بیشتر درباره فرزند و در خانواده‌های متوسط و ضعیف علاوه بر فرزند در موارد دیگری چون: تأمین مخارج زندگی، طلاق و ازدواج مجدد به علت فوت همسر گرفته می‌شود. حضور مادر در خانواده‌های خاص بسیار کمرنگ است و روابط خانوادگی منحصر به پدر و فرزند می‌شود. عدم حضور مادر بهویژه در خانواده‌های خاص، می‌تواند نشان از پایان دوره مادرتباری باشد؛ علاوه بر این، در هر عصری که زنان در کارهای اجتماعی شرکت می‌کردند و در زندگی روزمره دخالت بیشتری داشتند درنتیجه در داستان‌ها نیز اهمیت بیشتری می‌یافتند (راوندی، ۱۳۴۰: ۶۶۰). حضور مادر در خانواده‌های متوسط و ضعیف، پررنگ‌تر و به همان نسبت در این خانوادها حضور فرزند کمرنگ‌تر از خانواده‌های خاص است. در ۲۲ خانواده از این طبقه، تصمیمات مادر در خانواده‌های ناقص (بدون پدر) درباره شغل و ازدواج فرزند و در ارتباط با شوهر در مواردی چون: تغییر شغل، تغییر مکان زندگی، اخراج مرد از خانه برای آگاه کردن او و به قابلیت‌های مردانه خود یا خلاص شدن از آزارهای او گرفته می‌شود. گفتنی است تصمیم اساسی درباره فرزند در همه طبقات اجتماعی بیش از همه به موضوع ازدواج اختصاص دارد. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت ازدواج از دیدگاه خانواده ایرانی بهویژه برای دختران است. در ۳۷ خانواده، تصمیمات مثبت یا منفی با اشتراک زن و شوهر گرفته می‌شود. اشتراک مساعی میان زن و شوهر بیشتر در طبقات پایین اجتماع صورت می‌گیرد که مهم‌ترین دلیل آن حضور فعال مادر(زن) در خانواده است.

به طور کلی تصمیم در این خانواده‌ها ۳۴/۲۳ درصد توسط پدر (مرد)، ۱۸/۹۶ درصد توسط مادر (زن)، ۱۶/۳۷ درصد توسط فرزند و ۳۳/۳۲ درصد با مشارکت زن و شوهر گرفته می‌شود. نتایج بدست‌آمده از شاخص میزان تصمیم‌گیری در خانواده‌ها نشان می‌دهد ۵۰/۹۹ درصد تصمیمات توسط پدر بدون مشارکت مادر گرفته می‌شود؛ بنابراین قدرت در دست یک فرد متمرکز است. درنتیجه، ساخت قدرت در قصه‌های

بررسی شده یکسویه (نامتقارن) و متمرکز است. گفتنی است شخصیت اصلی در ۹۳ داستان بررسی شده ۵۸/۶ درصد مرد و ۴۱/۹۳ درصد زن هستند. این نتیجه فعال بودن مرد نسبت به زن را در فارس نشان می‌دهد؛ اما نمی‌تواند نشانی از انفعال زن داشته باشد. چه بسیار داستان‌هایی که زن محرك حوادث و شالوده اصلی داستان به‌شمار می‌رود. با وجود این، آمار محوریت مرد را در این داستان‌ها تأیید می‌کند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ساختار قدرت، پرسش اصلی پژوهش، سلطه‌گرایانه و شیوه‌های اعمال آن مجبورسازی است. نوع مقاومت در برابر سلطه ۶۱/۷۹ درصد فعالانه و ۳۸/۲۰ درصد منفعانه است. در روابط پدر و مادر با فرزند، والدین عاملان قدرت هستند و مقاومت در برابر آن‌ها بنا به دلایل گفته شده بیشتر توسط دختر صورت می‌گیرد. در روابط زن و شوهر، بیشتر سلطه از طرف مرد و مقاومت از طرف زن دیده می‌شود.

در این مقاله منابع تولید قدرت در دو نوع کلی ملموس و غیرملموس بررسی شد. در این میان به ترتیب باورهای جنسیتی، منابع اقتصادی- اجتماعی، خرد و حیله بیشترین سهم را در تولید قدرت داشتند. بررسی‌ها نشان داد در خانواده هرچه افراد، زن یا مرد به باورهای جنسیتی بیشتر پاییند باشند روابط نامتعادل و غیردموکراتی را تجربه می‌کنند. به طورکلی در داستان‌های عامیانه فارس تعداد خانواده‌های دموکرات اندک، حتی در روابط صمیمانه، زنان همچنان برتری مرد را می‌پذیرند. این نتیجه نظام مدرسalar و پاییندی خانواده را به ایدئولوژی‌های سنتی در ایران نشان می‌دهد.

بررسی شیوه‌های توزیع قدرت در خانواده در دوران گذشته در ایران حاکی از آن است که به دنبال تضعیف نظام پدرسالاری، در عصر حاضر برابر میان همسران افزایش یافته و تفکر فرماندهی مرد و فرمانبری زن به برابری و مساوات تغییر یافته است. بنابراین، می‌توان گفت در ایران نیز همچون دیگر کشورهای صنعتی تعادل میان زن و مرد به وقوع پیوسته است؛ بر این اساس پژوهش‌هایی از این قبیل اما گسترشده می‌تواند منبعی قابل اعتماد برای جامعه‌شناسان در بررسی سیر تحول خانواده از گذشته تا حال باشد و دلنگرانی آن‌ها را از کمی دانسته‌هایشان در حوزه خانواده تا حدودی تعدلیل سازد.

## پی‌نوشت‌ها

ساختار قدرت در خانواده و بازنمایی...  
الهه چیتسازی و همکار

- 1.Joseph Campbell
- 2.M.Weber
- 3.Bowerman
4. Blood
5. Isavan

## منابع

- اسعدی، مریم (۱۳۸۹). «خانواده در قابوسنامه». بوستان ادب. ش. ۲. صص ۵۰-۳۱.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: سمت.
- باقری، بهادر (۱۳۹۲). «زنان فعال و منفعل در داستان‌های منشور عامیانه». فرهنگ و ادبیات عامه. ش. ۱. صص ۱۱۹-۱۴۲.
- بهنام، جمشید (۱۳۵۰). ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران. تهران: خوارزمی.
- بیات، حسین (۱۳۸۹). «محوریت قهرمانان زن در قصه‌های عامیانه (تحلیل افسانه‌ها به مثابه رؤیای جمعی زنان)». نقد ادبی. س. ۳. ش. ۱۱-۱۲. صص ۸۷-۱۱۵.
- راسل، برتراند (۱۳۷۰). شکل‌های قدرت. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۴۰). تاریخ اجتماعی ایران. ج. ۳. تهران: امیرکبیر.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۵). «تحول گفتمانی قدرت (جستارهایی در باب تحول مفهومی قدرت در دوران کلاسیک، میانه، مدرن و پسmodern)». پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی. ش. ۱. صص ۱۱۷-۱۵۲.
- ریترز، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثالثی. تهران: علمی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۵۱). یادداشت‌ها و آندیشه‌ها. تهران: طهوری.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- شریف‌نسب، زهرا و محمد Mehdi Abrahimi Fakhari (۱۳۹۳). «کارکرد انواع مفهوم قدرت در داستان‌های عامیانه». نخستین همایش نگاهی نو به ادبیات عامیانه. کرمان.
- عاملی رضایی، مریم (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل سیر تاریخی سیمای خانواده در رمان فارسی از ابتدا تا دهه ۵۰». پژوهشنامه زنان. ش. ۷. صص ۱۴۲-۱۱۷.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه سال ۷، شماره ۲۶، خرداد و تیر ۱۳۹۸

- (۱۳۹۲). سیمایی خانواده در رمان‌های فارسی دههٔ ثیصدت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۹۳). «تحلیل مناسبات خانوادگی در ادبیات داستانی جنگ». ادبیات پارسی معاصر. س. ۴. ش. ۲. صص ۱۲۵-۱۴۵.
- (۱۳۹۷). مناسبات خانوادگی در رمان فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عنایت، حلیمه و مریم سروش (۱۳۸۸). «میزان و نوع مقاومت زنان در رویارویی با ساختار قدرت در زندگی روزمره». پژوهش زنان. ش. ۲. صص ۸۵-۱۱۲.
- لبیی، محمدمهری (۱۳۹۳). خانواده در قرن ۲۱ (از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی). تهران: علم.
- مارزلف، اوکریش (۱۳۷۶). طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: سروش.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲). ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران). گردآورنده حسن ذوالفارقی. تهران: چشم.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۱). «شناسایی شاخص‌های قدرت در خانواده به روش تحقیق کیفی». جامعه پژوهی فرهنگی. س. ۳. ش. ۱. صص ۱۳۹-۱۵۸.
- (۱۳۹۳). «الگوی سنتی ساختار قدرت در برخی خانواده‌های ایرانی». پژوهشنامه زنان. ش. ۱۰. صص ۱۱-۱۳۸.
- (۱۳۹۵). ساختار قدرت در خانواده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مزداپور، کتابیون (۱۳۸۰). روایتی دیگر از داستان دلیل محتاله و مکر زنان. تهران: طرح نو.
- مرادی، مهدی و همکاران. (۱۳۹۵). «بازنمایی خانواده در رمان‌های فارسی». جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. ش. ۱۵. صص ۱۰۷-۱۳۴.
- مهدوی، محمدصادق و حبیب صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲). «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده». انجمن ایرانی مطالعات زنان. ش. ۲. صص ۶۵-۲۹.
- نبوی، عباس (۱۳۷۹). فلسفه قدرت. تهران: سمت.
- یزدانی، عباسعلی و سیمین دوستی (۱۳۹۶). «اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن». پژوهشنامه مددکاری اجتماعی. س. ۲. ش. ۶. صص ۷۵-۱۰۱.

## Investigating power relation in family and its representation in folk tales of Fars province

Elahe Chitsazi <sup>1\*</sup> Kavous Hassan Li <sup>2</sup>

1. Ph.D. Candidate in Persian language and literature - Shiraz university.
2. Professor of Persian language and literature – Shiraz university.

Received: 8/10/2018

Accepted: 12/03/2019

### Abstract

Among the various types of oral literature and due to their richness, tales and myths have the ability to examine the origin and effects of anthropology, sociology, psychology, etc. Some sociologists believe that their knowledge of the institution of the family in Iran's past is negligible. Therefore, history, especially folktales, can illuminate parts of social life that are far from the eyes of sociologists. The question of power is one of the subjects of interest in sociological studies in family institution. Understanding the distribution of power within the family in past periods represents a lot of social change. In this article and in order to examine the power structure within folklore tales; the structure of power, its methods of action and the type of resistance in front of power, as well as the sources of power production in family relationships, were examined in 93 kinds of folk narrative using content analysis approach. The results showed that the power structure in family is highly dominant and is represented in terms of paternity in relation to the child. In relations between men and women, in addition to domination, there is an intimate and legitimate relationship that women accept based on traditional ideologies, the power of men even in intimate relationships. The methods for exercising more power are forced, but the type of resistance, especially girls' resistance to domination, and boys' active resistance to the father for passive reasons are evident. Gender-related beliefs, socio-economic resources and tips, such as the child's tone and hints, are among the sources of energy production in the family.

**Key words:** folktales, family, power, power structure.

---

\*Corresponding Author's E-mail: chitsazi9910@yahoo.com

